



چرا عالم نیازمند امام است؟/ امام به منزله قلب در پیکر انسان است

چشم و گوش در تحت ولایت قلب زنده و پاینده اند. قلب دستگاه معدل و تنظیم کننده قوا و حیات بخشنده اعضای انسان است. امام به منزله قلب در پیکر انسان است.

چشم و گوش در تحت ولایت قلب زنده و پاینده اند. قلب دستگاه معدل و تنظیم کننده قوا و حیات بخشنده اعضای انسان است. امام به منزله قلب در پیکر انسان است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را از روی قاعده‌ی لطف (۱) به صورت گسترده تشریح نموده، اثبات کرده‌اند که وجود تکلیف و ادامه آن در طول قرون و اعصار، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی ضروری می‌نماید.» (۲)

اما علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی تعبیر زیبایی دارد: «در بدن انسان دستگاه‌های مختلف و متنوعی وجود دارد که هر یک در انجام وظیفه‌ای مختص به خود مشغول فعالیت است. چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن و بینی برای تنفس و بوئیدن و زبان برای چشیدن و دست و پا برای اخذ نمودن و راه رفتن است هر یک از این اعضاء در انجام وظیفه خود سعی و کوشاست ولی نیروی خود را از نقطه نظر حیات مادی از قلب می‌گیرد.

قلب خون را به تمام اعضاء و جوارح می‌رساند و در هر لحظه بدانها حیات نوینی می‌دهد و خون تازه به وسیله ارسال قلب آنها را زنده و با نشاط نگاه می‌دارد، به طوریکه اگر در یک لحظه قلب متوقف گردد و از سرکشی و سرپرستی خود باز ایستد این اعضاء زنده و شاداب به صورت مرده و کدر درآمده، تمام خواص خود را از دست می‌دهند.

چشم نمی‌بیند، گوش نمی‌شنود، دست حرکت ندارد، پا نیز مرده و بی حس می‌گردد. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید ما به قلب نیاز نداریم زیرا از قلب کاری ساخته نیست، نه می‌بیند و نه می‌شنود و نه سخن می‌گوید و نه می‌نویسد و نه و نه....

لذا چشم و گوش در تحت ولایت قلب زنده و پاینده اند. قلب دستگاه معدل و تنظیم کننده قوا و حیات بخشنده اعضای انسان است.

امام به منزله قلب در پیکر انسان است.» (۳)

«حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: ستارگان امانند برای اهل آسمان از آنکه ایشان از جاهای خود به در روند، و اهل بیت من امانند برای اهل زمین، پس چون ستارگان برطرف شوند بیاید به سوی اهل آسمان آنچه نخواهند، و چون اهل بیت من از زمینه برطرف شوند بیاید به سوی اهل زمین آنچه نخواهند.» (۴)

ابن بابویه گفته: مراد از اهل بیت امامانند که خدا اطاعت ایشان را به اطاعت خود مقرون گردانیده است که فرموده است اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (۵) و ایشان از گناهان معصومند و از عیبها مطهرند و گناه نمی‌کنند. به برکت ایشان خدا بندگان را روزی می‌دهد و به ایشان شهرهای خود را آبادان می‌گرداند و به ایشان باران از آسمان می‌فرستد و به ایشان برکتهای زمین را می‌رویند و به ایشان گناهکاران را مهلت می‌دهد و تعجیل در عقوبت ایشان نمی‌کند و عذاب بر ایشان نمی‌فرستد و از ایشان روح القدس مفارقه نمی‌کند و ایشان از او مفارقت نمی‌کنند و ایشان از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن از ایشان جدا نمی‌شود. (۶)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من و یازده نفر از اولادم و تو ای علی‌النکیر (و کوه‌های شامخ تنظیم کننده) زمینیم و خداوند به وسیله ما زمین را می‌خکوب نموده است تا (تعادلش را حفظ و) اهلش را فروبرد. (۷)

امام سجّاد علیه السلام فرمود: اگر زمین بدون امام بماند، اهلش را فرو می‌برد. خدای تبارک و تعالی ما را در زمین بر اهل زمین حجت و امان قرار داده است. (۸)

ابی هراسه از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: اگر یک ساعت امام از زمین برداشته شود، زمین اهلش را فرو خواهد برد و اهلش را متلاطم (زیر و رو) می‌کند؛ همچنان که دریا اهلش را متلاطم و (زیر و رو) می‌نماید. (۹)

امام صادق(ع): اگر زمین بی‌امام باشد از هم می‌پاشد.(۱۰)

و شاء می‌گوید: از محضر مبارک امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: نه. عرضه داشتم: ما از اهل بیت علیه السلام روایت می‌کنیم که زمین (بدون امام) باقی نمی‌ماند. در غیر این صورت خداوند متعال بر بندگان خشمگین خواهد شد (وبه آنها غضب می‌کند) حضرت فرمودند: باقی نمی‌ماند. (و در غیر این صورت) حتماً "فرو می‌رود" (معنای خشم خداوند این است که زمین اهلش را فرو می‌برد). (۱۱)

«ابوحمزه ثمالی می‌گوید: از وجود مبارک امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زمین بدون وجود امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: اگر زمین بدون امام باقی می‌شد، حتماً فرو می‌ریخت.»

منظور امام از فرو ریختن زمین، هلاکت و عدم است. چه اینکه زمین بدون حجت، یعنی عالم بدون واسطه فیض. [و به همین معنی در دعای ندبه اشاره شده که: «إِنَّ السَّبَبَ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»؛ کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می‌رساند.]

از جمله فیوضاتی که امام علیه السلام واسطه آن است، فیض وجود و دوام عالم است و نبود امام، مساوی با نبود این دوام است که اگر نباشد، دیگر حیاتی برای عالم متصور نیست. (۱۲)

منابع:

۱- متکلمان امامیه، بالاتفاق، بر این عقیده اند که امامت، از مصادیق لطف خداوند است، و چون لطف، به مقتضای حکمت الهی، واجب است، امامت نیز واجب است. از طرفی، لطف امامت، از آن گونه الطافی است که فعل مباحثی و مستقیم خداوند است. و از این نظر، وجوب امامت، همچون وجوب نبوت است.

امامت لطفی است که فعل مستقیم خداوند است، و تعیین امام باید از جانب خداوند انجام گیرد.

پایگاه حوزه، انتظار - پاییز ۱۳۸۱، شماره ۵ - قاعده لطف و وجوب امامت

۲- پژوهش مهدوی، علی اکبر مهدی پورص ۱۳ به نقل از تمهید الاصول شیخ مفید، ص ۴۴۵-۴۶۳؛ الشافی فی الامامة، علم الهدی، ج ۱، ص ۴۷-۱۰۲

۳- امام شناسی ج ۱ سید محمدحسین حسینی طهرانی، ص ۷-۹

۴- حیات القلوب، علامه مجلسی ج ۵ ص ۲۹ به نقل از کمال الدین ۲۳۴-۲۴۰ عیون الاخبار الرضا ۱۱/۵۷

۵- سوره نسا آیه ۵۹

۶- تفسیر قمی ۱/۳

۷- سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)، محمد امینی گلستانی، ۹۴ به نقل از اصول کافی: ۱ ص ۴۳۵؛ منتخب الأثر: ص ۳۳؛ ینابیع المودة: ۳ ص ۱۴۸ بعضی از آن: غیبت طوسی: ۹۲؛ بحار الأنوار: ۲۳ باب الإضرار الی الحجة روايات در این مورد فراوان است.

۸- همان، به نقل از الزام التاصب: ص ۴ و ۲۴۵؛ غیبت نعمانی: ص ۶۹؛ ینابیع المودة: ۳/۱۴۸؛ عیون أخبار الرضاء: ۱/۲۱۲؛ غیبت طوسی: ص ۱۳۲؛ اصول کافی: ۱/۷۹ با تغییر؛ يوم الخلاص: ص ۳۷

۹- غیبت نعمانی ترجمه عزیزی، باب هشتم ص ۲۷۹

۱۰- اصول کافی، ج ۱، (علمیه اسلامیة)، کتاب الحجة، ص ۳۷۸

۱۱- غیبت نعمانی ، ترجمه عزیزی ، باب هشتم ص ۲۷۹

۱۲- همان ص ۲۷۸